

مقایسه اسامی خاص باب «بومان و زاغان» در پنچانتترا، کلیده و دمنه، داستان‌های بیدپای، انوارسهیلی و عیاردانش

سمیه حدادیان^۱

چکیده

کلیده و دمنه از جمله متون تعلیمی است که از زمان ترجمه شدن آن به زبان فارسی مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و محققان قرار گرفته است. ترجمه‌ها و تحریرهایی که در طول زمان‌های متفاوت و به زبان‌های مختلف بر روی آن صورت گرفته است، باعث شده که مترجمان آن‌ها بر حسب ذوق و سلیقه خود تصرف‌هایی در آن به وجود آورند؛ بنابراین چه به لحاظ محتوا و چه به لحاظ ساختار تفاوت‌هایی باهم پیدا کرده‌اند. یکی از وجوه این تفاوت‌ها، اسامی خاص به کار رفته در حکایت‌های این کتاب است. در این پژوهش اسامی خاص به کار رفته در باب «بومان و زاغان» در کتاب‌های پنچانتترا، کلیده و دمنه، داستان‌های بیدپای، انوارسهیلی و عیاردانش بررسی شده است. در این میان کتاب پنچانتترا که منشأ اصلی هندی کتاب‌های دیگر به شمار می‌رود، مبنا قرار گرفته، اسامی خاص به کار رفته در دیگر کتاب‌ها با آن مقایسه شده است. نتایج پژوهش نشان از آن دارد که در این کتاب‌ها هدفه مورد اسم خاص به کار رفته است که بیش‌ترین کاربرد آن در کتاب پنچانتترا و بیش‌ترین تغییرات مربوط به کتاب‌های انوارسهیلی و عیاردانش است.

واژه‌های کلیدی: اسم خاص، پنچانتترا، کلیده و دمنه، داستان‌های بیدپای، انوارسهیلی، عیاردانش.

۱- دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، خرم‌آباد، ایران.
Somaye_hadadiyan@yahoo.com.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۱

۱- مقدمه

کلیده‌ودمنه یکی از کتاب‌های مشهور جهان است که از زمان‌های گذشته از جهات مختلف چه از لحاظ مسائل ادبی و چه از لحاظ مسائل اجتماعی و فکری در بین ملل مختلف مورد توجه بوده‌است و ترجمه‌ها و تحریرهای فراوانی بر روی آن صورت گرفته‌است. تنها بعد از دوره اسلامی در ایران چندین ترجمه بر روی آن صورت گرفته‌است. دکتر شمیسا درباره اهمیت کلیده‌ودمنه می‌نویسد: «کلیده‌ودمنه در طی تاریخ به سه جهت همواره مورد توجه بوده‌است: یکی از لحاظ فکری که آن را کتاب کیاست و سیاست می‌دانستند و از این رو مخصوصاً مورد توجه دولت‌مردان و اصحاب سیاست بوده‌است. دو دیگر به لحاظ تاریخ نثر فنی چنان که اکثر نویسندگان این سبک به آن نظر داشته و از آن نام برده‌اند و حتی کسانی چون وصاف الحضرة در صدد معارضه با آن برآمده‌اند و سه دیگر به لحاظ تلخیص و شرح و بازنویسی آن است چنان‌که قانعی شاعر آن را در قرن هفتم منظوم کرد» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۸۵). کلیده‌ودمنه کتابی است که از ادب هند باستان اخذ شده و منابع آن دو کتاب به نام‌های *پنچانتترا* و *مهابهاراتا* ذکر شده است. *پنچانتترا* توسط پزشکی به نام برزویه به ایران آورده شده و به زبان پهلوی ترجمه شده است. این کتاب نام *کلیک و دمنک* به خود گرفت که نخستین نسخه از این کتاب در شکل حاضر همین ترجمه پهلوی است. کلیده‌ودمنه بین سال‌های «۵۳۸ و ۵۳۹ هجری قمری» توسط شخصی به نام ابوالمعالی نصرالله منشی از زبان عربی به زبان فارسی ترجمه شد. پس از ترجمه شدن *کلیده‌ودمنه* توسط منشی، این کتاب بار دیگر به زبان فارسی ترجمه شد، بدون این‌که نویسندگان آن از کار یکدیگر خبری داشته باشند. این کار توسط شخصی به نام محمد ابن عبدالله البخاری صورت گرفت و او کتاب خود را *داستان‌های بیدپای* نامید. ترجمه نصرالله منشی به سبب دشوار بودن از لحاظ انشا و شیوه نگارش پس از چندی توسط شخصی به نام «حسین بن علی واعظ کاشفی سبزواری» تهذیب شد. او نام کتاب خود را به *انوارسهیلی* تغییر داد. واعظ کاشفی در ساده کردن ترجمه منشی موفق نبود، بلکه بر پیچیدگی این کتاب نیز افزود؛ بنابراین در سال ۹۹۶ هجری قمری شخصی به نام ابوالفضل بن مبارک

دکنی به همراه برادرش فیضی این کتاب را ساده کردند و نام آن را به عیار دانش تغییر دادند» (محبوب، ۱۳۴۹: ۶). موضوع مورد بحث ما در این پژوهش مربوط به ادبیات مقایسه‌ای می‌باشد که در آن کتاب‌های پنچانتترا، کلیله‌ودمنه، داستان‌های بیدپای، انوارسهبلی و عیار دانش از نظر اسامی خاص به کار رفته در باب «بومان و زاغان» با هم مقایسه می‌شوند. در این جستار سعی شده است کتاب پنچانتترا که منشأ کتاب کلیله‌ودمنه و دیگر آثار به شمار می‌رود، مبنا قرار گیرد، سپس دیگر آثار با آن مقایسه و در آخر نیز تفاوت‌ها و اشتراکات این کتاب‌ها در قالب رسم یک جدول مشخص شود.

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

متون ادبی به دو شاخه‌ی نظم و نثر تقسیم شده است و کلیله‌ودمنه به لحاظ نوع، یک اثر منثور تعلیمی - تمثیلی فابل به شمار می‌رود. نثر، کلامی ساده و روان است که با استفاده از واژه‌ها و لغات پی در پی برای بیان و انتقال مفاهیم به ساده‌ترین شکل ممکن استفاده می‌شود. نثر در نظر رستگارفسای «جامع الاطراف و معنی‌گرای برخی از پارسی‌نویسان سبک‌ساز و مکتب‌آفرین چون بیهقی، ابوالمعالی نصرالله و سعدی در طول قرن‌ها نفوذی ماندگار و مداوم داشته است» (رستگارفسای، ۱۳۹۴: ۹). اثر ادبی تعلیمی اثری است که دانشی (چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی و فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد. نوشتن آثار تعلیمی از قدیم سابقه داشته است (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۵۵). قسمت اعظم حکایات ما، جنبه‌ی ادب تعلیمی دارند. در این نوع ادبی در حقیقت طرح داستان جنبه‌ی ثانوی دارد و هدف اصلی أخذ و بیان نتیجه است. ادب تعلیمی به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که یکی از موارد آن ادب «تمثیلی» است (همان: ۲۰۸). «تمثیل، بیان حکایت و روایتی است که هرچند معنای ظاهری دارد، اما مراد گوینده معنای کلی‌تر دیگری است» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۲۳۷). ادب تمثیلی نیز خود به انواعی تقسیم می‌شود که یکی از انواع آن ادب تمثیلی «فابل» می‌باشد. فابل در حقیقت داستان کوتاهی است که به شیوه‌ی تمثیلی نوشته شده است. معمول‌ترین نوع فابل، فابل حیوانات (Fabel Bes)

است. در این نوع حکایات، جانوران نماینده و ممثّل آدمیان‌اند، مانند آدمیان عمل می‌کنند و سخن می‌گویند. *کلّیله و دمنه* عالی‌ترین مجموعه فابل در ادبیات فارسی به شمار می‌رود که از مجموعه فابل‌های کهن هندی موسوم به پنچنترا أخذ شده است (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۵۷-۲۵۸). برخی فابل را متضمّن نتیجه اخلاقی می‌دانند که محدود ساختن درون‌مایه فابل به طرح مسائل «اخلاق» در فرهنگ‌های دیگر نیز دیده می‌شود (آبرامز، ۱۳۸۷: ۱۰). پورنامداریان درباره داستان‌های تمثیلی و رمزی و غرض از نگارش آن‌ها می‌نویسد: «اگرچه در بعضی از این داستان‌ها مثل داستان‌های *کلّیله و دمنه* و *مرزبان نامه* می‌توان گذشته از درس تعلیمی و اخلاقی که داستان‌ها باز می‌گویند، توطئه‌ها و دسیسه‌هایی را که در حضرت سلطان در جریان است، نیز دریافت و حیوانات را نماینده افراد گوناگونی که پیرامون حاکم را گرفته‌اند، تلقی کرد، اما غرض اصلی، بیش‌تر تفهیم و تعلیم، همان نتایج اخلاقی و اندرزهای مطرح در داستان است» (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱۳۲-۱۳۳). کتاب‌های تاریخی که به نثر فنی به نگارش آمده‌اند، از دو جنبه کلی از *کلّیله و دمنه* متأثر بوده‌اند: ۱- تأثیر از سبک انشای *کلّیله و دمنه* و نثر پردازی فنی آن ۲- از منظر محتوای داستانی و مسائل فکری. از منظر سبک انشاء، این که نویسندگان بزرگی (همچون وصّاف و صاحب درّه نادره) خود را با ابوالمعالی می‌سنجیدند، بیانگر اهمیت نثر و شدت تأثیرگذاری آن بر متون فنی پس از خود است (استرآبادی، ۱۳۸۷: ۶۸۸). محبوب در مورد ریشه اصلی *کلّیله و دمنه* چنین بیان داشته‌است: «کتاب اصلی به وسیله برهمنی ویشنوی گردآوری شده‌است که نام وی را نمی‌دانیم. این برهمن در حدود سه قرن پس از میلاد مسیح در کشمیر می‌زیسته است. کتاب شامل یک مقدمه و پنج باب است که هر یک به نام تنترا به معنی «اندرز و پند» نامیده می‌شود. این کتاب به زبان سانسکریت نوشته شده و نسخه قدیم آن «تنتراکیایکا» نام داشته است؛ بنابراین این کتاب به صورت نخستین خویش به ما نرسیده‌است، بلکه از روی بقایای کتابی دیگر به نام تنتراکیایکا (یا مجموعه قصه‌های کوتاه) و منابع دیگری که بقایای آن در نسخه کشمیری و نپالی و نسخه جنوبی پنچانتترا باقی مانده، به وجود آمده است و پنچانتترایی که اروپائیان از روی نسخه‌های ترجمه کرده و مطبوع می‌شناسند، کتابی متأخرتر است که از روی کتاب اصلی تدوین شده و با آن اختلاف‌هایی دارد»

(محبوب، ۱۳۴۹: ۱۹-۲۲).

بنابراین همان‌طور که گفتیم تحریرهای فراوانی بر روی کلیله و دمنه که یکی از آثار بسیار مهم نثر تعلیمی ادبیات فارسی به شمار می‌رود، صورت گرفته است. لازم به ذکر است که تحریرهایی که بر روی کلیله و دمنه نصرالله منشی به عمل آمده، باعث شده تا تغییرات فراوانی در آن به وجود آید که این موضوع زمینه پژوهشی مناسبی را برای بررسی مقایسه‌ای این اثر مهم فراهم کرده است. یکی از این تغییرات، تغییراتی است که بر روی اسامی خاص به کار رفته در آن به وجود آمده است و ممکن است تفاوت‌هایی با یکدیگر پیدا کرده باشند؛ بنابراین این پژوهش به منظور بررسی اسامی خاص به کار رفته در کتاب پنچانتترا به عنوان منشأ کلیله و دمنه و مقایسه این اسامی با تحریرها و تصحیحاتی که بر روی آن به زبان فارسی صورت گرفته، می‌باشد تا تغییرات به وجود آمده در طول زمان‌های مختلف بر روی آن مشخص شود.

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

کتاب کلیله و دمنه به لحاظ این که یک اثر تعلیمی - تمثیلی بسیار ارزشمند به شمار می‌رود، مورد استقبال بسیاری از پژوهشگران و نویسندگان در سراسر جهان قرار گرفته و این پژوهشگران هر یک متناسب با فرهنگ زمان خود تغییراتی در آن به وجود آورده‌اند؛ بنابراین مهم‌ترین اهمیت و ضرورتی که می‌توان برای این پژوهش ذکر کرد، مشخص نمودن وجوه تغییرات ایجاد شده در این کتاب ارزشمند است.

۱-۳- پیشینه تحقیق

محققان پژوهش‌های متنوعی را پیرامون کلیله و دمنه صورت داده‌اند که به دو بخش کتاب و مقاله قابل تقسیم است. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به کتاب: «درباره کلیله و دمنه» از محمد جعفر محبوب، انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۹ و کتاب «تصحیح داستان‌های بیدپای» از ناتل خانلری، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹، اشاره کرد و در بخش مقالات می‌توان به مقالاتی با عنوان: «مقایسه اجمالی پنچانتترا با ترجمه‌های سریانی و عربی و پارسی»، از محمد جواد مشکور، نشریه یغما، ۱۳۴۱ و

«بررسی بعضی اختلاف‌های کلیله‌و‌دمنه نصرالله منشی با ترجمه عربی ابن مقفع و داستان‌های بیدپای و پنچاکیان» از علی حیدری، فصلنامه دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۶، اشاره کرد، اما تاکنون پژوهشی که به بررسی اختلاف‌های اسامی خاص به کار رفته در باب «بومان و زاغان» در کتاب کلیله‌و‌دمنه و تصحیحاتی که بر روی آن صورت گرفته، پرداخته باشد، مشاهده نشده‌است.

۲- بحث و یافته‌های تحقیق

در گذشته رسم چنین بوده‌است که برای هر یک از اشیاء و اماکن، نام خاصی قائل می‌شدند. چنان‌که در کتاب کلیله‌و‌دمنه نیز که منشأ اصلی آن کتاب پنچانترا می‌باشد، همین حالت را شاهد هستیم. با توجه به بررسی‌های انجام شده بر روی آثار مورد نظر در این پژوهش در باب «بومان و زاغان» حدود ۱۷ مورد اسم خاص ذکر شده‌است که بیش‌ترین تعداد آن مربوط به کتاب پنچانترا است؛ بنابراین ما در این قسمت قصد داریم این اسامی را در کتاب پنچانترا و کلیله‌و‌دمنه و دیگر تحریرهایی که بر روی آن صورت گرفته با هم مقایسه کنیم تا مشخص شود که این اسامی در این کتاب‌ها تا چه میزان در معرض تغییر و تحول قرار گرفته‌اند. به طور حتم دیگر ابواب این کتاب ارزشمند نیز دچار این تغییر و تحولات شده‌است، اما پرداختن به همه ابواب آن از حوصله این مقاله خارج می‌باشد.

۲-۱- مقایسه اسامی خاص به کار رفته در باب «بومان و زاغان»

۲-۱-۱- حکایت بومان و زاغان

اولین تفاوتی که در این حکایت به چشم می‌خورد مربوط می‌شود به نام سرزمینی که حکایت بومان و زاغان در آن اتفاق افتاده‌است. گوینده حکایت در کتاب پنچانترا نام سرزمین به خصوصی را ذکر نکرده و فقط به ذکر این‌که حکایت در «گوشه جنگلی» اتفاق افتاده، اکتفا کرده‌است (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۳۱)، این روال را در کتاب‌های کلیله‌و‌دمنه و داستان‌های بیدپای نیز مشاهده می‌کنیم. در کتاب کلیله‌و‌دمنه نام این سرزمین «کوهی بلند» ذکر شده (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۱۹۱) و در

داستان‌های بیدپای در «کوهی از کوه‌های جهان» ذکر شده است (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۷۵)، اما در کتاب‌های *انوارسهبیلی* و *عیار دانش* برای این مکان نام یک سرزمین حقیقی را ذکر کرده‌اند که در کتاب *انوارسهبیلی* نام این سرزمین «ولایت چین» می‌باشد (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۱۱) و در کتاب *عیار دانش* «ولایت آجین» ذکر شده است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۲۰).

مورد بعدی اختلاف اسامی خاص در این حکایت مربوط می‌شود به نوع درختی که زاغان بر روی آن لانه داشتند. در این مورد در کتاب *پنچانتترا* نام این درخت «انجیر» ذکر شده است (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۳۱)، اما در کتاب‌های *کلیله و دمنه* (نصراالله منشی، ۱۳۹۲: ۱۹۱)، *داستان‌های بیدپای* (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۷۵)، *انوارسهبیلی* (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۱۱)، و بالاخره در *عیار دانش* نوع این درخت مشخص نشده است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۲۰).

در کتاب *پنچانتترا* برای ملک زاغان نامی ذکر کرده است که نام او «ابری» می‌باشد (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۳۱)، در حالی که در کتاب‌های *کلیله و دمنه* (نصراالله منشی، ۱۳۹۲: ۱۹۱) و *داستان‌های بیدپای* نامی برای ملک زاغان ذکر نشده است (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۷۵)، اما در کتاب‌های *انوارسهبیلی* و *عیار دانش* نیز به مانند کتاب *پنچانتترا* برای ملک زاغان نامی ذکر کرده است که در *انوارسهبیلی* «پیروز» (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۱۱) و در *عیار دانش* «فیروز» ذکر شده است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۲۰).

برای ملک بومان نیز نامی ذکر شده که در کتاب *پنچانتترا* «دشمن افکن» می‌باشد (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۳۱)، در حالی که در کتاب‌های *کلیله و دمنه* (نصراالله منشی، ۱۳۹۲: ۱۹۱) و *داستان‌های بیدپای* نامی برای ملک بومان ذکر نشده است (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۷۵) اما در کتاب‌های *انوارسهبیلی* (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۱۱) و *عیار دانش* نیز به مانند *پنچانتترا* نامی برای ملک بومان ذکر شده است که آن «شباهنگ» می‌باشد (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۲۰).

در کتاب *پنچانتترا* برای تک تک پنج وزیر زاغان نامی بیان شده است که به ترتیب نام‌های آن‌ها شامل: ۱- بلند پرواز ۲- راست پرواز ۳- تنک پرواز ۴- تند پرواز ۵- دراز عمر می‌باشد (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۳۱)، این در حالی است که در هیچ یک از کتاب‌های *کلیله و دمنه* (نصراالله منشی، ۱۳۹۲: ۱۹۲)، *داستان‌های بیدپای* (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۷۵)

۱۷۶)، *انوارسهیلی* (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۱۲) و *عیاردانش* نامی برای این وزیران بیان نشده‌است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۲۱).

در کتاب *پنچانتترا* برای سرزمینی که زاغان پس از شیخون بومان موقتاً به آن جا کوچ کرده تا وزیر پنجم نقشه خود را عملی کند و انتقام یارانش را بگیرد نیز نامی ذکر شده‌است که آن «تیه بز کوهی» می‌باشد (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۴۸)، اما در کتاب‌های *کلیله‌ودمنه* (نصراالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۱۱)، *داستان‌های بیدپای* (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۸۸)، *انوارسهیلی* (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۴۲) و *عیاردانش* نامی برای این سرزمین ذکر نشده‌است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۳۶).

در کتاب *پنچانتترا* برای پنج وزیر بومان نیز نامی بیان شده‌است که به ترتیب شامل: ۱- سرخ چشم ۲- درنده چشم ۳- شعله چشم ۴- بینی خمیده ۵- پهن گوش می‌باشد (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۵۰)، اما در کتاب‌های *کلیله‌ودمنه* (نصراالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۱۳)، *داستان‌های بیدپای* (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۸۹)، *انوارسهیلی* (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۴۵)، و *عیاردانش* نامی برای این وزیران ذکر نشده‌است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۳۸).

جدول شماره ۱: مقایسه اسامی خاص به کار رفته در حکایت بومان و زاغان در کتاب‌های *پنچانتترا*، *کلیله‌ودمنه*، *داستان‌های بیدپای*، *انوارسهیلی* و *عیاردانش*

حکایت بومان و زاغان	پنچانتترا	کلیله‌ودمنه	داستان‌های بیدپای	انوار سهیلی	عیاردانش
نام سرزمین که حکایت در آن رخ داده	گوشه جنگلی	کوهی بلند	کوهی از کوه‌های جهان	ولایت چین	سرزمین آجین
نام درخت زاغان	انجیر	-	-	-	-
نام ملک زاغان	ابری	-	-	پیروز	فیروز
ملک بومان	دشمن افکن	-	-	شباهنگ	شباهنگ
نام پنج وزیر زاغان	بلند پرواز راست پرواز تنک پرواز تند پرواز دراز عمر	-	-	-	-

عیار دانش	انوار سهیلی	داستان‌های بیدپای	کلیله و دمنه	پنجانتترا	حکایت بومان و زاغان
-	-	-	-	تپهٔ بزکوهی	نام سرزمینی که زاغان پس از شبیخون موقتاً کوچ کردند
-	-	-	-	سرخ چشم درنده چشم شعله چشم بینی خمیده پهن گوش	نام پنج وزیر بومان

۲-۱-۲- حکایت پیل و خرگوش‌ها

حکایت بعدی که از نظر اسامی خاص به کار رفته در آن مورد بررسی قرار گرفته، حکایت پیل و خرگوش‌هاست که در کتاب پنجانتترا نام ملک پیلان «چار دندان» بیان شده‌است (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۳۹). این در حالی‌است که در هیچ یک از کتاب‌های کلیله و دمنه (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۰۲)، داستان‌های بیدپای (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۸۱)، انوار سهیلی (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۲۷) و عیار دانش نامی برای ملک پیلان ذکر نشده‌است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۲۹).

مورد بعدی اختلاف در اسامی خاص به کار رفته در این حکایت مربوط می‌شود به نام ولایتی که پیلان در آن زندگی می‌کردند، در کتاب‌های پنجانتترا (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۳۹)، کلیله و دمنه (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۰۲) و داستان‌های بیدپای نامی برای سرزمین ذکر نشده‌است (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۸۲)، اما در کتاب‌های انوار سهیلی (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۲۷) و عیار دانش نام سرزمین چنین ذکر شده‌است «ولایت پیلان از جزایر زیر باد» (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۲۹).

در ادامهٔ حکایت در کتاب پنجانتترا برای شاه خرگوشان نیز نام «تیر» ذکر شده‌است (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۴۰)، اما در کتاب‌های کلیله و دمنه (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۰۲)، داستان‌های بیدپای (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۸۲)، انوار سهیلی (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۲۷) و بالاخره در عیار دانش نامی برای ملک خرگوشان ذکر نشده‌است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۲۹).

در ذکر نام خرگوشی که به رسولی ماه نزد پیلان رفت، اختلاف بیش‌تری وجود دارد. به طوری‌که در کتاب *پنچانتترا* نام خرگوش «فیروز» ذکر شده‌است (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۴۰)، اما در کتاب‌های *کلیله‌ودمنه* (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۰۳) و *داستان‌های بیدپای* نام این خرگوش، «پیروز» ذکر شده (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۸۲) و بالاخره در کتاب‌های *انوارسهیلی* (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۲۸) و *عیاردانش* نام این خرگوش، «بهروز» ذکر شده‌است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۲۹).

جدول شماره ۲: مقایسه اسامی خاص به کار رفته در حکایت پیل و خرگوش‌ها در کتاب‌های پنچانتترا، کلیله‌ودمنه، داستان‌های بیدپای، انوارسهیلی و عیاردانش

حکایت پیل و خرگوش‌ها	پنچانتترا	کلیله‌ودمنه	داستان‌های بیدپای	انوارسهیلی	عیاردانش
نام ملک پیلان	چار دندان	-	-	-	-
نام ولایت پیلان	-	-	-	ولایت پیلان از جزایر زبر باد	ولایت پیلان از جزایر زبر باد
نام شاه خرگوشان	تیر	-	-	-	-
نام خرگوشی که به رسولی نزد پیلان رفت	فیروز	پیروز	پیروز	بهروز	بهروز

۲-۱-۳- حکایت گربه و کبک نخجیر و خرگوش

در این حکایت بین انواع حیوانات ذکر شده در حکایت نیز اختلاف وجود دارد. به طوری‌که در کتاب‌های *پنچانتترا* (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۴۳) و *کلیله‌ودمنه* این حیوانات «گربه و کبک نخجیر و خرگوش» ذکر شده‌است (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۰۶)، در *داستان‌های بیدپای* «دم شکنج و گربه و خرگوش» (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۸۴) و بالاخره در *انوارسهیلی* (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۳۳) و *عیاردانش* این حیوانات «کبک و تیهو و گربه» ذکر شده‌است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۳۲).

همان‌طور که ذکر شد نوع حیوانات به کار رفته در این حکایت در کتاب‌های پنچانتترا و کلیله‌ودمنه با یکدیگر مشابه بودند و در کتاب *پنچانتترا* برای یکی از این

حیوانات یعنی خرگوش نامی ذکر کرده‌است که آن «دراز گوش» می‌باشد (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۴۳)، اما در کتاب کلیله و دمنه نامی برای آن ذکر نشده‌است (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۰۶). در کتاب‌های داستان‌های بیدپای (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۸۴)، انوارسهیلی (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۳۳) و عیار دانش که نوع حیوانات در آن با پنچانتترا و کلیله و دمنه متفاوت بود؛ بنابراین نامی برای خرگوش ذکر نشده‌است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۳۲).

جدول شماره ۳: مقایسه اسامی خاص به کار رفته در حکایت گربه و کبک نخجیر و خرگوش در کتاب‌های پنچانتترا، کلیله و دمنه، داستان‌های بیدپای، انوارسهیلی و عیار دانش

حکایت گربه و کبک نخجیر و خرگوش	پنچانتترا	کلیله و دمنه	داستان‌های بیدپای	انوارسهیلی	عیار دانش
نام حیوانات در این حکایت	گربه و کبک نخجیر و خرگوش	گربه و کبک نخجیر و خرگوش	دم شکنج و گربه و خرگوش	کبک و تیهو و گربه	کبک و تیهو و گربه
نام خرگوش	دراز گوش	-	-	-	-
نام گربه	سخت گوش	-	-	-	-

همان‌طور که ذکر شد یکی از انواع حیوانات در این حکایت، گربه می‌باشد که در بین نام گربه نیز اختلاف وجود دارد. در کتاب پنچانتترا نام گربه «سخت گوش» ذکر شده (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۴۴)، اما در کتاب‌های کلیله و دمنه (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۰۶)، داستان‌های بیدپای (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۸۴)، انوارسهیلی (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۳۳) و نیز عیار دانش نامی برای گربه ذکر نشده‌است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۳۲).

۲-۱-۴- حکایت فرومایگان و برهمن

حکایت بعدی که مورد بررسی قرار دادیم، حکایت فرومایگان و برهمن می‌باشد. در این حکایت نیز بین نوع حیوانی که برهمن برای قربانی کردن خریده بود اختلاف وجود دارد که این حیوان در کتاب پنچانتترا «بز» ذکر شده‌است (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۴۷)، اما در کتاب‌های کلیله و دمنه (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۱۱)، داستان‌های بیدپای (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۸۷)، انوارسهیلی (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۴۱) و عیار دانش نوع این حیوان

«گوسفند» ذکر شده است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۳۵).

جدول شماره ۴- مقایسه اسامی خاص به کار رفته در حکایت فرومایگان و برهمن در کتاب‌های پنچانتترا، کلیله و دمنه، داستان‌های بیدپای، انوارسپیلی و عیار دانش

حکایت فرومایگان و برهمن	پنچانتترا	کلیله و دمنه	داستان‌های بیدپای	انوارسپیلی	عیار دانش
نام حیوان برهمن	بز	گوسفند	گوسفند	گوسفند	گوسفند

۲-۱-۵- حکایت درودگر، شوی یک زن جوان

در حکایت درودگر، شوی یک زن جوان، در کتاب‌های پنچانتترا (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۵۴)، کلیله و دمنه (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۱۷) و داستان‌های بیدپای نام شهری که درودگر در آن زندگی می‌کرده، ذکر نشده است (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۹۲)، این در حالی است که نام این شهر در کتاب‌های انوارسپیلی (کاشفی، ۱۳۸۸: ۲۵۰) و عیار دانش، «سراندیب» ذکر شده است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۴۱).

جدول شماره ۵: مقایسه اسامی خاص به کار رفته در حکایت درودگر، شوی یک زن جوان در کتاب‌های پنچانتترا، کلیله و دمنه، داستان‌های بیدپای، انوارسپیلی و عیار دانش

حکایت درودگر، شوی یک زن جوان	پنچانتترا	کلیله و دمنه	داستان‌های بیدپای	انوارسپیلی	عیار دانش
نام شهر درودگر	-	-	-	سراندیب	سراندیب

۲-۱-۶- حکایت زاهد و بچه موشی که دختری شد

در حکایت زاهد و بچه موشی که دختری شد در کتاب پنچانتترا نام پرنده‌ای که موش از چنگ او افتاد «باز» ذکر شده است (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۵۶)، اما در کتاب‌های کلیله و دمنه (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۲۴) و داستان‌های بیدپای نام این پرنده «غلیواژ» ذکر شده است (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۹۵) و در انوارسپیلی (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۶۴) و عیار دانش نام آن پرنده «زغن» ذکر شده است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۴۹).

جدول شماره ۶: مقایسه اسامی خاص به کار رفته در حکایت زاهد و بچه موشی که دختری شد در کتاب‌های پنچانتترا، کلیله و دمنه، داستان‌های بیدپای، انوارسهبیلی و عیار دانش

عیار دانش	انوارسهبیلی	داستان‌های بیدپای	کلیله و دمنه	پنچانتترا	حکایت زاهد و بچه موشی که دختری شد
زغن	زغن	غلیواژ	غلیواژ	باز	نام پرنده‌ای که موش از چنگ او افتاد

۲-۱-۷- حکایت غوکان که بر پشت ماری سیاه سوار بودند

در حکایت غوکان که بر پشت ماری سیاه سوار بودند، در کتاب پنچانتترا برای مار نامی ذکر شده که این نام «کم‌زهر» می‌باشد (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۶۲)، اما در کتاب‌های کلیله و دمنه (منشی، ۱۳۹۲: ۲۳۰)، داستان‌های بیدپای (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۹۸)، انوارسهبیلی (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۷۰) و عیار دانش نامی برای مار ذکر نشده است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۵۳).

جدول شماره ۷: مقایسه اسامی خاص به کار رفته در حکایت غوکان که بر پشت ماری سیاه سوار بودند در کتاب‌های پنچانتترا، کلیله و دمنه، داستان‌های بیدپای، انوارسهبیلی و عیار دانش

عیار دانش	انوارسهبیلی	داستان‌های بیدپای	کلیله و دمنه	پنچانتترا	حکایت غوکان که بر پشت ماری سیاه سوار بودند
-	-	-	-	کم زهر	نام مار
-	-	-	-	دایا	نام ملک غوکان

در این حکایت در کتاب پنچانتترا برای ملک غوکان نیز نامی ذکر شده است که «دایا» می‌باشد (شیکهر، ۱۳۸۵: ۱۶۲)، اما در کتاب‌های کلیله و دمنه (منشی، ۱۳۹۲: ۲۳۲)، داستان‌های بیدپای (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۹۹)، انوارسهبیلی (کاشفی، ۱۳۸۸: ۳۷۱) و عیار دانش نامی برای ملک غوکان ذکر نشده است (دکنی، ۱۳۷۷: ۲۵۴).

جدول شماره ۸: اسامی خاص به کار رفته در باب «بومان و زاغان» در کتاب‌های پنج‌تنترا، کلیله‌ودمنه، داستان‌های بیدپای، انوارسهبلی و عیاردانش

ردیف	کتاب‌ها	تعداد
۱	پنج‌تنترا	۱۷
۲	کلیله‌ودمنه	۵
۳	داستان‌های بیدپای	۵
۴	انوارسهبلی	۹
۵	عیاردانش	۹

۳- نتیجه‌گیری

پنج‌تنترا چون از آیین برهمنی برخاسته و در این فرهنگ برای حیوانات اهمیت زیادی قائل بوده‌اند؛ بنابراین معمول بوده است که برای حیوانات و اشیاء مانند انسان‌ها اسامی خاص به کار ببرند، بنابراین همان‌طور که مشاهده شد در تمامی حکایات برای تمامی حیوانات و حتی مکان‌ها و درختان و ... نامی ذکر شده است. این در حالی است که در دیگر کتاب‌های مورد بررسی در این پژوهش یعنی کلیله-ودمنه، داستان‌های بیدپای، انوارسهبلی و عیاردانش این چنین نیست و فقط برای برخی از حیوانات یا برخی از مکان‌ها نامی ذکر شده است. بنابراین طبق بررسی‌های به عمل آمده بیش‌ترین تعداد این اسامی به کار رفته مربوط به کتاب پنج‌تنترا می‌باشد و بیش‌ترین تغییرات در این اسامی نسبت به کتاب پنج‌تنترا به عنوان منشأ، مربوط به کتاب‌های انوارسهبلی و عیاردانش می‌شود، زیرا که مستقیماً از متن کتاب پنج‌تنترا ترجمه نشده‌اند. هم‌چنین این نتیجه حاصل شد که بین اسامی خاص به کار رفته در حکایت‌های کتاب‌های کلیله‌ودمنه و داستان‌های بیدپای با یکدیگر و انوارسهبلی و عیاردانش با یکدیگر بیش‌ترین قرابت و نزدیکی وجود دارد. از مجموع این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که این تصحیحات و تحریرهایی که از روی متن کتاب کلیله‌ودمنه انجام شده است هر چه از زمان تحریر آن به کلیله‌ودمنه می‌گذرد تغییرات در تعداد و نوع اسامی خاص به کار رفته در آن بیش‌تر به چشم می‌خورد.

کتابشناسی

- ۱- آبرامز، مایر هوارد، (۱۳۸۷)، *فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی*، ترجمه‌ی سعید سبزیان، چاپ اول، تهران: رهنما.
- ۲- استرآبادی، میرزا مهدی خان، (۱۳۸۷)، *درة نادره*، گردآورنده: سید جعفر شهیدی، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳- البخاری، محمد ابن عبدالله، (۱۳۶۹)، *داستان‌های بیدپای*، تصحیح پرویز خانلری و محمد روشن، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- ۴- پورنامداریان، تقی، (۱۳۷۵)، *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۵- حیدری، علی، (۱۳۸۶)، «بررسی بعضی اختلاف‌های کلیله‌ودمنه نصرالله منشی با ترجمه‌ی عربی ابن مقفع و داستان‌های بیدپای و پنچاکیانه»، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، تهران، سال ۱۷ و ۱۸، شماره ۶۸ و ۶۹، صص ۴۵-۶۱.
- ۶- دکنی، ابوالفضل، (۱۳۷۷)، *عیار دانش*، گردآورنده: سید ناصر هاشم‌زاده، چاپ اول، تهران: انتشارات حوزه هنری.
- ۷- رستگار فسایی، منصور، (۱۳۹۴)، *انواع نثر فارسی*، چاپ پنجم، تهران: سمت.
- ۸- شمیسا، سیروس، (۱۳۹۴)، *انواع ادبی*، چاپ پنجم، تهران: میترا.
- ۹-، (۱۳۸۵)، *بیان*، چاپ اول، تهران: میترا.
- ۱۰-، (۱۳۸۷)، *سبک‌شناسی*، چاپ سوم، تهران: میترا.
- ۱۱- شیکهر، ایندو، (۱۳۸۵)، *پنچانتترا*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۲- محجوب، محمد جعفر، (۱۳۴۹)، *درباره‌ی کلیله‌ودمنه*، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- ۱۳- مشکور، محمد جواد، (۱۳۴۱)، «مقایسه‌ی اجمالی پنچانتترا با ترجمه‌های سریانی و عربی و پارسی»، نشریه‌ی یغما، تهران، شماره ۱۶۶، اردیبهشت، صص ۸۱-۸۹.
- ۱۴- نصرالله منشی، ابوالعالی، (۱۳۸۱)، *کلیله‌ودمنه*، تصحیح مجتبی مینوی طهرانی، چاپ بیست و دوم، تهران: امیرکبیر.
- ۱۵- واعظ کاشفی بیهقی، کمال‌الدین حسین، (۱۳۸۸)، *انوارسهیلی*، تصحیح دکتر

محمد روشن، چاپ اول، تهران: صدای معاصر.